

شهادت کذب در حقوق کیفری ایران

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۱/۱۷، تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۳/۲۰)

دکتر ایوب نوریان^۱

استاد دانشگاه آزاد اسلامی سنندج، ایران

سارا اسکندری^۲

کارشناسی ارشد جزا و جرم شناسی، رشته حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سنندج، ایران

چکیده

شهادت عبارتست از اینکه شخص به نفع یکی از اصحاب دعوی و به ضرر دیگری خبر از وقوع امری کند و به منظور اثبات حق و یا بطلان حق بوسیله فرد یا افرادی اقامه می شود. اگر شاهد در دادگاه خلاف حقیقت را بیان دارد، کاذب خطاب می شود و براحتی می تواند مسیر عدالت قضایی را تغییر دهد. در این پژوهش با بررسی جایگاه شهادت کذب در قانون مجازات اسلامی در می یابیم که شاهد با ادای شهادت کذب نزد مقامات رسمی، موجبات تضییع حقوق افراد و جامعه را فراهم می نماید. فرد شاهد در صورتیکه پس از ادای سوگند، به دروغ شهادت دهد و شهادت دروغ برای دادگاه محرز شود، برای موجبات مجازات سوگند و شهادت دروغ را برای وی در پی دارد. بموجب ماده ۶۵۰ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی، مجازات شهادت دروغ، ۳ ماه و یک روز تا ۲ سال حبس یا به یک میلیون و پانصد هزار تا ۱۲ میلیون ریال جزای نقدی است و در صورتیکه شهادت دروغ در رابطه با حدود، قصاص یا دیات باشد، قاعده جمع مجازات ها به کار گرفته می شود. در دیدگاه اسلام، شهادت کذب از نظر شرعی و اخلاقی، مذموم و برای شخص شاهد دروغین در فقه، مجازات تشهیر و تعزیر تعیین شده است. با بررسی شهادت کذب در پیشینه تاریخ حقوق کیفری، مجازات های ادوار گذشته و دوران تحولات حقوق کیفری

^۱ نویسنده مسئول

^۲ Eskandarisara00@yahoo.com

می‌پردازیم و در این راستا با بررسی تفاوت‌های حقوق ایران با برخی نظام‌های حقوقی به نقاط قوت و ضعف نظام حقوقی ایران پی بردیم و سرانجام به چالش‌های قوانین کیفری قانون مجازات اسلامی در زمینه شهادت کذب پرداختیم.

واژگان کلیدی: شهادت، شهادت کذب، قانون مجازات اسلامی، حقوق کیفری ایران

مقدمه

شهادت عبارت است از اینکه آنچه دیده یا شنیده شده در نزد حاکم و قاضی بیان شود و شهادت به معنای حضور همواره با دیدن در اولویت است. (راغب، ۴۶۵: ۱۴۱۲) شهادت حقی است که خداوند آن را بین بندگان خود مقرر فرموده و برایشان واجب است آن را بدون تحریف آنچنان که هست اقامه کنند. شهادت می‌تواند عینی باشد، که بر همین اساس مشاهدات نقل می‌شود، یا آنکه ممکن است، شنیداری باشد و شنیده‌های شاهد بیان می‌گردد یا آنکه از این حس یا حواس دیگر، برای انتقال امر واقع، بهره گرفته شده است. شهادت به عنوان یکی از ادله‌ی اثبات دعوی که در بسیاری از دعاوی جایگاه ویژه‌ای دارد قانون‌گذار مجازات و تبعاتی را برای شاهی که خلاف حقیقت بیان می‌دارد، تعیین نموده است. شهادت کذب امروزه به عنوان یکی از جرایم بر سایر جرایم سایه افکنده، در شریعت اسلام که روح انسان را تعالی بخشیده و ارزش‌های اخلاقی را تقویت کرده و ما را ملزم به صداقت در فعل و کردار کرده است خداوند آن را با شرک و نافرمانی از پدر و مادر یکی دانسته است. شهادت دروغ سبب می‌گردد افکار را به منحرف می‌کند و لذا، فرد ما به ازای حق خود، به مقابله و ستیزه‌جویی پناه می‌برد. امام صادق (ع) در هشدار به شهادت‌دهندگان دروغین می‌فرمایند: «شَاهِد الزور لَا تَزُولَ قَدَمَاهُ حَتَّى تَجِبَ لَهُ النَّارُ» شاهد دروغ از جای نمی‌جنبد مگر اینکه آتش بر او واجب شود. (کلینی، ۳۸۳/۷) شهادت کذب قدمتی چندین هزار ساله دارد که در تمامی ادیان از جمله اسلام مورد نهی واقع شده است، شهادت دروغ از جرائم محسوب می‌شود که از جانب شارع مقدس، برای آن هدف مقدری لحاظ نشده است، فلذا شهادت دروغ مستلزم اجرای تعزیر است. هر چند که من

باب کیفیت تعزیر، اختلاف نظرهایی وجود دارد که از ظواهر امر پیداست که این امر به سبب ضررهایی است از وجود چنین افرادی در جامعه، ممکن است به وجود آید، پس تشهیر وی امری لازم و ضروری بوده و باید مردم او را شناخته و از او حذر کنند. تفحص در خصوص اقوال فقهای امامیه بیانگر آن است که در بین آنها اختلاف نظرات فاحشی در رابطه با تعزیر و تشهیر شاهد کذب و شهادت دروغ وجود ندارد.

در منابع فقهی، مفهوم شهادت کذب یا شهادت زور، تفاوت چندانی با قوانین و حقوق موضوعه ندارد، تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد، از جمله آنکه در احتساب مجازات این جرم و دلایل و مبانی مربوط به آن، کلام فقهای امامیه و اهل تسنن و مستندات هر یک با استناد به روایات موجود، چنین بر می‌آید که الزام به تشهیر شهادت زور، به دلیل ضرر و خسارتی است که در آینده به فرد و یا جامعه وارد می‌آید، که در قانون مجازات اسلامی، توجه خاصی بدان معطوف نشده است. شریعت اسلام همیشه برای جرایم راه‌هایی بازدارنده را پیش پا می‌گذارد شهادت زور ممنوع بوده و با مجازات تنبیهی و تعزیری که تأثیر روانی بر مجرم می‌گذارد محکوم می‌کنند که در اصطلاح فقهی به آن تشهیر می‌گویند.

همچنین روایاتی که در این خصوص وارد گردیده و نیز سایر ادله‌ای که در جواز این مجازات به آن استناد شده کدام است؟ (رستم‌پور، ۱۳۹۴: ۱) شهادت دروغ از جمله جرم‌هایی محسوب می‌شود که به عدالت قضایی آسیب وارد می‌کند. رفتارهایی که به حقوق افراد در دسترسی عادلانه و موازی به دستگاه قضایی آسیب وارد می‌کنند و یا حق جامعه را در تعقیب و مجازات مجرمان و بزه‌کاران مختل می‌کنند و یا آن را تضییع می‌کنند، رفتارهای خلاف عدالت قضایی گفته می‌شود.

شهادت دروغ از جمله گناهان کبیره بوده و سبب زوال و تضعیف عدالت در جامعه می‌گردد و با دیگر گناهان کبیره، از جمله سرقت، رباخواری، در یک مرتبه قرار می‌گیرد. فردی که در زمان اتفاق شاهد و ناظر بوده، اما در زمان بیان و ادای واقعیت در محضر دادگاه آن را عالمانه و عامدانه، قلب و تحریف می‌کند و موجب صدور حکمی به ناحق می‌گردد و حقی را ضایع می‌کند؛ از نظر جنبه عمومی جرم بود و از نظر جنبه خصوصی نیز

قابل مجازات می‌باشد. (مدنی، ۱۳۸۰: ۳۶۷) نظام‌های حقوقی در مبحث کیفر شهادت برای جلوگیری از انحراف شاهد که منجر به انحراف از عدالت می‌شود، کذب بودن شهادت را جرم انگاری کرده‌اند. در این نوشتار سعی کردیم ضمن بیان مفهوم تشهیر، عدم جرم انگاری کتمان شهادت و ادای شهادت در قانون مجازات اسلامی را بررسی نماییم.

بخش اول: کلیات

بند اول: مفهوم شهادت

شهادت واژه‌ای عربی است. از ریشه شَهِد و دارای معنای مصدري خبر دادن و اسم مصدر خبر است. کلمه شهادت در لغت یا از ریشه (شَهِدَ يَشْهَدُ شَهِوداً) به معنای حاضر شدن و یا از ریشه (شَهِدَ شَهِيدَ شَهِادَةً) به معنای خبر دادن و اداء کردن می‌باشد و اغلب در مفردات آورده است. شَهِد و شَهِادَة به معنای حضور همراه با دیدن است، شهادت در کتاب لغت معانی مختلفی برای آن ذکر شده است. (عربیان، ۱۳۹۲: ۱۶۸)

بند دوم: مفهوم شهادت کذب

کذب در لغت به معنای: خبر دادن از چیزی به خلاف آنچه که هست. (فراهیدی، ۱۳۶۷، ۳۴۷)

کذب به معنی: دروغ گفتن، خبر دادن برخلاف عقیده خود (دهخدا، ۹۳، ۱۶۰۱) کذب در اصطلاح یعنی: دروغ گفتن در انواع مختلف زبانی، عملی، نسبت دروغ به کسی دادن و چیزی خلاف واقع نشان دادن است. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۳۴)

شهادت کذب اخباری است، کذب و غیر واقعی که شاهد با تحریف واقعیت و به نفع شخص دیگری بیان می‌دارد. پیامبر منفورترین افراد و دور ترین افراد را نزد خدا شاهد کاذب می‌داند (جامع الاحادیث للقمی، ۲۰۳) که در روز قیامت شهادت‌دهنده به دروغ در حالی بر انگيخته می‌شود آتش را زبان می‌زند. (تنبيه الخواوار، ۷/۲)

آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی در کتاب مبانی تکمله المنهاج بیان می‌دارند که شهادت زور را بر اساس نتیجه‌ای که بر عمل (شاهد) مترتب می‌شود، مجازات می‌شوند

شیخ طوسی در کتاب نهایه ذکر نموده‌اند که جایز نیست شخص شهادت کذب دهد و اگر چنین کاری کند گناه مرتکب شده و ضامن است و شایسته است. امام شهود زور را تعزیر کرده و در محل آنها را معرفی کند.

از طرف دیگر، شهادت کذب از مباحث مطرح در حقوق جزا بوده و شرط اساسی و اصلی آن در حقوق آن است که شخص بدون علم و آگاهی کامل از راه معین شده شرعی و قانونی به نفع کسی نزد مقام قضایی و در مرجع صالح خلاف واقع شهادت دهد، ماهیت دروغ بر ۴ شرط استوار است: شرط بیان خبر، شرط خلاف واقع بودن و شرط فریب‌دادن. (اترک، ۱۳۸۹: ۱۴۵) بنابراین شاهد باید نزد مقام قضایی و در دادگاه به عمد خلاف حقیقت را بیان دارد شهادت دروغ موجب بطلان حکم است و هر حکمی که بر این اساس صادر شود بلا اثر است.

بخش دوم: شهادت کذب در حقوق کیفری ایران

در قانون مدنی سابق ایران به پیروی از حقوق فرانسه ارزش و اعتبار شهادت بسیار محدود بود و تنها در موارد خاصی شهادت پذیرفته می‌شد. لکن با اصلاحات سال ۱۳۶۰ و متعاقبا سال ۱۳۷۰ و با حذف مواد ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ و ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ از قانون مدنی، نظام حقوقی ایران به شدت به سمت توسعه اعتبار شهادت، گرایش پیدا کرد.

در این قسمت به شهادت کذب در قانون مجازات قدیم و تعزیرات جدید و آیین دادرسی کیفری نگاهی می‌اندازیم:

بند اول: قانون جزایی سال ۱۳۰۴

نخستین قانون جزایی ماهوی در خصوص شهادت دروغ و کتمان شهادت قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ و همچون قانون جزای عرفی شهادت دروغ در امور جنایی، جنحه، خلاف و حقوقی را تفکیک کرده بود و در خصوص اینکه این شهادت همراه با اخذ رشوه باشد یا بدون آن و همچنین ترغیب دیگران به ادای شهادت دروغ، مقرراتی را در داشت.

در این قانون نیز طی ۴ ماده به شرح زیر شهادت دروغ در امور جنایی و جبهه خلاف و حقوقی و همچنین امور ادای جرم انگاری شده بود. در ضمن در تمامی حالات مذکور

میان مجازات شهادتی که در حکم محکمه مؤثر باشد و شهادتی که در حکم محکمه مؤثر نباشد و نیز در صورتی که برای ادای شهادت وجه یا مال گرفته شده یا نشده باشد تفکیک به عمل آمده بود.

ماده ۲۱۵ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ بیان می‌داشت هر کس در امور جنایی شهادت دروغ بدهد که در حکم محکمه مؤثر واقع شود اعم از اینکه کتبی باشد یا شفاهی محکوم به یک الی سه سال حبس و تأدیبی خواهد شد و اگر شهادت دروغ در حکم محکمه مؤثر واقع نشده باشد، مجازات مرتکب تأدیبی از یک ماه تا یکسال است.

قانونگذاری جدید، زمان وضع قوانین مصوب توسط مجلس شورای ملی و پس از آن مجلس شورای اسلامی است؛ زیرا در خواسته مهم مشروطه خواهان تأسیس عدالت‌خانه و وجود مجلس قانونگذاری بود که به هر حال نیز این مقاصد حاصل گردید.

شهادت دروغ و کتمان شهادت در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ نخستین قانون جزایی ماهوی در خصوص شهادت دروغ و کتمان شهادت «قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴» بود و همچون «قانون جزای عرفی» شهادت دروغ در امور جنایی، جنحه، خلاف و حقوقی را تفکیک کرده بود و در خصوص این که این شهادت همراه با اخذ رشوه باشد یا بدون آن و همچنین ترغیب دیگران به ادای شهادت دروغ، مقرراتی را داشت.

در این قانون نیز طی چهار ماده به شرح زیر شهادت دروغ در امور جنایی، جنحه، خلاف و حقوقی و همچنین امور اداری جرم‌انگاری شده بود و در ضمن در تمامی حالات مذکور، میان مجازات شهادتی که در حکم محکمه مؤثر باشد و شهادتی که در حکم محکمه مؤثر نباشد و نیز صورتی که برای ادای شهادت وجه یا مالی گرفته شده یا نشده باشد، تفکیک به عمل آمده بود.

ماده ۲۱۵ ق.م.ع مصوب ۱۳۰۴ بیان می‌داشت: «هر کس در امور جنایی شهادت دروغ بدهد که در حکم محکمه مؤثر واقع شود اعم از اینکه کتبی باشد یا شفاهی، محکوم به یک الی سه سال حبس تأدیبی خواهد شد و اگر شهادت دروغ در حکم محکمه مؤثر واقع نشده باشد، مجازات مرتکب حبس تأدیبی از یک ماه الی یک سال است.»

هرگاه به واسطه شهادت دروغ، شخص متهم به مجازاتی زیاده‌تر از مجازات مذکور محکوم گردد، شاهد کاذب به حداقل همان مجازات محکوم می‌شود.

ماده ۲۱۶ این قانون مقرر می‌داشت: «کسی که در امور جنحه شهادت دروغ بدهد که در حکم محکمه مؤثر گردد، اعم از اینکه کتبی باشد یا شفاهی، از هشت روز تا یک سال به حبس تأدیبی محکوم خواهد شد و اگر مؤثر واقع نشود به حبس تأدیبی از هشت روز الی دو ماه محکوم می‌شود.

در ماده ۲۱۷ همان قانون نیز آمده بود: «در مورد دو ماده قبل اگر شاهد در ازاء شهادت دروغ وجه یا مالی گرفته یا استفاده دیگری کرده باشد، علاوه بر مجازات مذکور در ماده ۲۱۵ در مورد جنایت و مجازات ماده ۲۱۶ در مورد جنحه، به تأدیه در مقابل آنچه گرفته شده است محکوم خواهد شد.

ماده ۲۱۸ قانون فوق نیز اشعار می‌داشت: «کسی که در امور خلافی شهادت دروغ بدهد به هشت روز الی یک ماه حبس تأدیبی محکوم می‌شود و اگر در ازاء شهادت مزبور وجه یا مالی گرفته یا تعارفی قبول کرده باشد، علاوه بر استرداد و ضبط آنچه گرفته است به حداکثر مجازات مزبور محکوم می‌شود.

هر کسی اعم از شهود و مطلعین و ممیزین و اهل خبره در امور حقوقی شهادت دروغ بدهد یا عامداً و بر خلاف واقع اظهار عقیده کند که در حکم محکمه مؤثر گردد، خواه کتبی باشد خواه شفاهی، به حبس تأدیبی از هشت روز الی یک سال محکوم می‌شود و اگر در ازاء شهادت دروغ یا اظهار عقیده بر خلاف واقع، وجه یا مالی گرفته باشد. علاوه بر مجازات فوق به تأدیه دو برابر آنچه که گرفته است محکوم می‌شود.

به موجب ماده ۲۱۹ قانون مذکور نیز آمده بود: «هر کس در امور اداری شهادت دروغ بدهد و به شهادت مزبور اثری مترتب شود، به هشت روز الی شش ماه حبس تأدیبی محکوم خواهد شد.» باتوجه به موارد گفته شده، در قانون مجازات عمومی اولاً، شهادت دروغ در امور جنایی، جنحه، خلاف، حقوقی و اداری به صورت جداگانه جرم‌انگاری شده بود. ثانیاً، شهادت دروغ در امور جنایی و جنحه، چنانچه در حکم محکمه مؤثر بود یا نبود،

مجازات‌های جداگانه داشت و لیکن شهادت در امور حقوقی، اگر در حکم محکمه مؤثر نبود جرم محسوب نمی‌شد. ثالثاً، شهادت دروغ در امور خلافی به طور مطلق جرم بود و شهادت دروغ در امور اداری در صورتی جرم بود که بر شهادت مزبور اثری مترتب می‌بود. رابعاً، شهادت دروغ در امور جنایی، جنحه و حقوقی هرگاه در ازای اخذ رشوه صورت می‌گرفت مجازاتی شدیدتر داشت. خامساً، قانونگذار ادای شهادت دروغ را اعم از این که نزد مقام قضایی دادگاه در داخل دادگاه یا بیرون از آن و یا نزد مقام قضایی دادسرا یا به هر شکل دیگری صورت می‌گرفت و نیز به صورت کتبی یا شفاهی، جرم می‌دانست. سادساً، امتناع از شهادت جرم‌انگاری نشده بود. (چتردانش: ۱۳۹۵، ۷۵)

به نظر می‌رسد تفکیک‌های صورت گرفته به این شکل به موازین عدالت نزدیکتر بود و تا حدود زیادی به عنوان یک مانع و رادع در جهت جلوگیری از شهادت دروغ در جامعه محسوب می‌شد.

بند دوم: قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵

متأسفانه در نخستین قانون تعزیرات بعد از انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۶۲ قانونگذار همچون بسیاری از موارد دیگر، به موضوع شهادت دروغ ورود پیدا نکرد و به نظر می‌رسد تا زمان وضع قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵، باتوجه به منسوخ بودن قانون مجازات عمومی، مراجع قضایی با استناد به منابع معتبر فقهی حکم قضیه را مشخص می‌کردند؛ هرچند که بعضی حقوقدانان معتقدند که در این زمان نیز مواد ۲۱۵ تا ۲۱۹ قانون مجازات عمومی ملاک عمل محاکم بود. (زراعت، ۱۳۷۷: ۲۴۴)

همانگونه که اشاره شد، قانونگذار با تصویب قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) در سال ۱۳۷۵ به موضوع شهادت دروغ پرداخته و ماده ۶۵۰ این قانون را به آن اختصاص داده است.

بند سوم: آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

در حقوق کیفری ایران، همچون سایر نظام‌های حقوق کیفری، باتوجه به اهمیت نقش شاهد در فرایند دادرسی کیفری و جهت جلوگیری از انحراف شاهد از بیان حقیقت که

منجر به جریان عدالت و خلل در فرایند دادرسی عادلانه خواهد بود، جرائمی مقرر شده و شاهد می‌تواند در شرایطی دارای مسئولیت کیفری باشد. شهادت کذب، یکی از این جرائم است. در حقوق ایران باتوجه به سیاست خاص قانونگذار نسبت به جرائم حدی، جرایم خاصی برای شهود در ارتباط با این جرائم پیش‌بینی شده است که شاید در کمتر نظام حقوقی شاهد این نوع جرم‌انگاری باشیم. جلب شاهد نیز در برخی از موارد در قانون پیش‌بینی شده است. همچنین با بررسی مقررات حقوق کیفری ایران در ارتباط با مسئولیت کیفری شاهد و مقایسه آن با برخی نظام‌های حقوقی دیگر اعم از حقوق نوشته و کامن‌لا به نقاط قوت و ضعف آنها می‌توان پی برد. به عنوان مثال، امروزه در برخی از کشورها از جمله فرانسه امتناع شاهد از ادای شهادت و عدم مساعدت وی در تحقق عدالت، جرم‌انگاری گردیده است و حال آنکه در نظام کیفری ایران شاهد چنین جرم‌انگاری نبوده و نیستیم.

طبق ماده ۲۰۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ «بازپرس پیش از شروع به تحقیق، حرمت و مجازات شهادت دروغ و کتمان شهادت را به شاهد تفهیم می‌کند...» که در این خصوص باید گفت اولاً، به شرح پیش گفته، شهادت دروغ در دادسرا جرم نمی‌باشد که حرمت و مجازات آن از سوی بازپرس به شاهد تفهیم شود. ثانیاً، کتمان شهادت نیز هرچند امری قبیح و مذموم و از نظر شرعی دارای حرمت است. لکن در قوانین کیفری ما جرم‌انگاری نشده است تا کتمان آن از سوی شاهد در دادسرا یا دادگاه جرم به حساب آید. لذا به نظر می‌رسد در راستای ماده ۲۰۹ قانون مذکور ضروری است که قانونگذار به اصلاح ماده ۶۵۰ ق.م.ا (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵پردازد و به گونه‌ای عمل نماید که شهادت دروغ نزد مقام قضایی به طور کلی جرم محسوب شود، چه در دادگاه یا بیرون دادگاه و چه در دادسرا با مراجع شبه قضایی و علاوه بر آن کتمان شهادت نیز جرم انگاری شود و برای جرائم مذکور چنانچه در حکم صادره در خصوص موضوع مؤثر باشند یا نباشند با رعایت درجات هشت‌گانه تعزیرات به شرح مندرج در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مجازات‌های جداگانه در نظر گرفته شود. (بیگی: ۱۳۹۶، ۱۶۳)

شهادت دروغ و یا به تعبیر قانونگذار در بند ۴ ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ «شهادت خلاف واقع گواهان» یکی از موارد اعاده دادرسی در مورد احکام محکومیت قطعی دادگاه‌ها است. حال، برای این که شهادت دروغ، دلیل اعاده دادرسی محسوب شود وجود چه شرایطی ضروری است؟ به نظر می‌رسد که وجود شرایط زیر برای اعاده دادرسی در خصوص موضوع ضروری است:

اولاً، رأی مورد اعاده دادرسی می‌بایست در زمره احکام محکومیت قطعی صادره از دادگاه‌ها باشد. پس رأی برائت یا احکام محکومیت غیر قطعی را شامل نمی‌شود.

ثانیاً، دروغ بودن شهادت شاهد می‌بایست قبل از درخواست اعاده دادرسی ثابت شده باشد. در مورد این که طریق اثبات این شهادت دروغ چگونه است و در چه صورتی می‌تواند مستند اعاده دادرسی از سوی محکوم علیه یا سایر مقامات مندرج در ماده ۴۷۵ قانون مذکور قرار گیرد، بند ۴ ماده ۲۷۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ به طور مطلق مقرر نموده بود که «جعلی بودن اسناد یا خلاف واقع بودن شهادت گواهان که مبنای حکم صادر شده بوده است، ثابت گردد.» به همین خاطر در زمان حکومت آن قانون، میان محاکم اختلاف نظر وجود داشت. بعضی معتقد بودند که اثبات دروغ بودن شهادت شهود به هر طریقی مانند اقرار شهود به دروغ بودن شهادت خود کافی برای اعاده دادرسی نسبت به حکمی است که براساس شهادت شهود صادر شده است و بعضی نیز معتقد بودند که این دروغ بودن شهادت شهود حتماً می‌بایست به موجب حکم دادگاه صالح به اثبات رسیده باشد و آن حکم نیز قطعیت پیدا کرده باشد تا مبنای اعاده دادرسی واقع شود، کما این که این اختلاف نظر در زمان حکومت ماده ۴۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری اسبق نیز وجود داشت. زیرا بند ۴ ماده ۴۶۶ قانون اخیرالذکر نیز از یکی از موارد اعاده دادرسی را «کشف و ثبوت اسناد جعلی یا شهادت جعلی که مبنای حکم بوده است» مقرر کرده بود.

در آن زمان نیز راجع به شهادت دروغ گواهان از نظر اعاده دادرسی دو رویه مختلف در شعب دیوان عالی کشور اتخاذ شده بود. شعبه هشتم دیوان عالی کشور عقیده داشت که

وقتی دروغ شهادت موجب تجویز اعاده محاکمه است که حکم قطعی بر محکومیت شهود صادر شود و شعبه دوم دیوان عالی کشور معتقد بود که اگر گواهان تصدیق کنند که شهادتشان ناشی از ضعف و ناتوانی بوده و مأخذ صحیح نداشته، این امر موجب تجویز اعاده محاکمه است، که موضوع مورد اختلاف در هیأت عمومی دیوان عالی کشور مطرح گردید و منجر به رأی وحدت رویه شماره ۳۷۰۰ مورخ ۱۳۳۷/۷/۶ شد. طبق رأی مذکور همانطور که شعبه هشتم دیوان عالی کشور در رأی خود استدلال نموده و در مورد استدعای تجویز اعاده محاکمه، شرط شمول امر به شق ۴ ماده ۴۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری به عنوان دروغ شهادت شهودی که گواهی آنان مبنای حکم بوده است، ثبوت دروغ گواهی گواهان در دادگاه کیفری به موجب حکم قطعی می‌باشد. بنابراین حکم شعبه هشتم صحیحاً صادر شده و بی‌اشکال است» (قربانی، ۱۳۸۴: ۳۴)

قانونگذار در زمان وضع قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ این مهم را مورد توجه قرار داد و صراحتاً طی بند ث ماده ۴۷۴ این قانون، خلاف واقع بودن شهادت گواهانی را که اساس صدور حکم بوده است، در صورتی از موارد اعاده دادرسی به حساب آورده است که در دادگاه صالح ثابت شده باشد. (رضایی، ۱۳۹۶: ۱۱۸)

بخش سوم: شرایط تحقق بزه شهادت کذب

قانون مجازات اسلامی برای شهادت کذب ضمانت اجرایی پیش‌بینی کرده است که شخص شاهد حرمت دروغ‌بودن آنچه را که به عنوان واقعیت بیان می‌کند را بداند. در قانون ایران شخص شاهد هنگامی که احضار یا جلب می‌شود قبل از ادای شهادت حرمت شهادت کذب را به او یاد آوری می‌کند. قبل از ادای شهادت او را به سوگند یاد کردن دعوت می‌کنند هر چند امتناع از سوگند، ضمانت اجرایی ندارد. برای درک بهتر شهادت کذب ابتدا باید به ماهیت این جرم بپردازیم:

بند اول: عنصر قانونی

عنصر قانونی این جرم ماده ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات است «هر کس در دادگاه نزد مقام رسمی شهادت دروغ بدهد به ۳ ماه و یک روز تا ۲ سال حبس با یک

میلیون و پانصد هزار ریال یا ۱۲ میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.» علاوه بر این مجازات تدوین شده در قانون چنانچه بدلیل شهادت دروغ خسارتی بر طرفین وارد شود، شاهد باید خسارت وارده را جبران کند جدایی از اصل ماده ۶۵۰ تعزیرات تبصره‌ای در این ماده وجود دارد که مقرر کرده است مجازات مزکور در این ماده علاوه بر مجازاتی است که در باب حدود و قصاص و دیات برای شهادت دروغ ذکر گردیده است بر این اساس شهادت کذب مجازات آن ممکن است مستوجب تعزیر حد قصاص دیات یا ترکیبی از آنها باشد.

ماده ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی متعرض بحث جبران خسارت توسط شهود کذب نشده است، ولی مطابق قواعد کلی مسؤولیت مدنی، هرگاه کسی سبب ورود خسارت گردد، باید جبران نماید، در این جا نیز شهود باید خسارت زیان دیده را جبران نمایند. (منصور: ۱۳۹۹، ۳۴۵)

در ماده ۲۰۱ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری آمده است: (در مواردی که دادگاه از شهود مطلعین درخواست ادای شهادت و یا اطلاع نماید و بعد معلوم شود که خلاف واقع شهادت داده‌اند اعم از این که به نفع یا ضرر یکی از طرفین دعوا باشد علاوه بر مجازات شهادت دروغ چنانچه شهادت خلاف واقع آنان موجب وارد آمدن خسارتی شده باشد به تأدیه آن نیز محکوم خواهند شد.

بند دوم: عنصر مادی

شهادت کذب جرمی است که صرفاً از طریق انجام فعل صورت می‌گیرد و امکان تحقق آن با ترک فعل ممکن نیست جرم شهادت دروغ باید در دادگاه و نزد مقام رسمی اتفاق بیفتد. بنابراین ادای شهادت، دروغ بودن شهادت و نزد مقام رسمی و در دادگاه ۴ رکن اصلی ایجاد جرم است. اصحاب دعوا یا بنابر الزام دادگاه شخص شاهد را احضار می‌کنند که آنچه را که شنیده یا دیده را بر اساس واقعیت ادا کند، ادای شهادت باید در دادگاه اتفاق بیفتد، دادگاه شامل محاکم قضایی (عمومی، انقلاب، تجدیدنظر، دیوان عالی کشور و دیوان عدالت اداری) می‌گردد. (حجتی: ۱۳۸۴، ۱۱۵۴)

جرم شهادت کذب جرم مطلق است و نیازی نیست که شهادت در رأی دادگاه تأثیری داشته باشد، جرم مطلق (صوری) به صورت یا ظاهر فعل تعلق دارد و در تحقق جرم نتیجه زیانبار منظور شده است. جرم شهادت کذب صرفاً با انجام فعل صورت می‌گیرد و با ترک فعل ممکن نیست و از شرایط جرم شهادت کذب:

(۱) اداء شهادت است که اصحاب دعوی و یا بنابر الزام دادگاه شخص شاهد را احضار می‌کند و از وی تقاضای بیان آنچه را که دیده و شنیده است را دارد.

(۲) شرط دوم این است که ادای شهادت دروغ باید در دادگاه (اعم از عمومی و اختصاصی) باشد. بنابراین شهادت در خارج از دادگاه و همچنین مراجعی که به آنها دادگاه اطلاق نمی‌شود، شامل جرم شهادت کذب نخواهد بود. نظریه ۷/۳۲۳۴ - ۱۳۷۹/۹/۹ (ح. ق.): باتوجه به اطلاق و عموم ماده ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی مقامات رسمی اختصاص به مقامات قضائی ندارد و لذا اگر کسی مثلاً در اداره ثبت احوال به دروغ شهادت دهد که فلان شخص صاحب فرزندی به نام فلان شده است و این شهادت مؤثر در صدور شناسنامه مورد شهادت گردد مشمول ماده ۶۵۴ خواهد بود.

(۳) شرط دوم برای جرم شهادت کذب ادای شهادت نزد مقامات رسمی است. بنابراین اگر فردی که شهادت را می‌شنود صلاحیت آن را نداشته باشد، نمی‌توان ادای شهادت را مشمول این ماده دانست. (همان: ۱۳۸۴، ۱۱۵۵)

شهادت کذب جرم عمدی است و کسی که سهوا و به اشتباه مبادرت به بیان اکاذیب در قالب شهادت کرده است نمی‌تواند مشمول ماده ۶۵۰ تعزیرات دانست.

الف: اغوا کردن

اغوا در فرهنگ لغت به معنای تحریک کردن، گمراه کردن است. در ماده ۳۶۰ قانون مجازات عمومی اغوا شکل محسوسی از شرکت در جرم است، شرکت در جرم به این معنی است که دو یا چند نفر عملیات اجرایی جرم را انجام دهند و هر کدام به نسبت عملیاتی که در فعل مادی جرم انجام داده‌اند مسئولیت دارند با تصویب قانون مجازات اسلامی ۹۲ و با وجود ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی ۹۲ تعریفی از معاونت در جرم به

طور حصری آورده است که ماده ۳۶۰ را نسخ می‌کند، در ارتکاب جرائم عمدی عوامل دیگری نیز در ارتکاب جرم دخالت دارند، معاون جرم کسی است که بدون آنکه خودش در عملیات اجرایی جرم منتسب به مباشر، دخالت داشته باشد با رفتار خود عمداً وقوع جرم را تسهیل کرده یا مباشر را به ارتکاب آن برانگیخته، در خصوص مصادیق معاونت و عنصر مادی آن قانونگذار در ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی ۹۲ مواردی چون: تحریک، ترغیب، تهدید، تطمیع و فریب و نیرنگ ارائه طریق ارتکاب جرم و تسهیل وقوع جرم می‌داند. بنابراین اغوا معاونت در جرم است، زیرا شراکت در جرم به نسبت رفتار مجرمانه در عملیات اجرایی دخیل دارد و در عنصر مادی جرم ورود پیدا می‌کند. (منصور: ۱۳۹۹، ۵۷)

بند سوم: عنصر روانی

در مبحث عنصر روانی به علم و آگاهی، شرایط، انگیزه شخص و بررسی مسئولیت شخص مرتکب می‌پردازیم. شهادت کذب یک جرم عمومی است و ارکان عمدی بودن جرم متشکل از علم و آگاهی و اراده و قصد است. آگاهی به حرمت فعل و معرفت وی بر قانون است. امروزه اصل بر این است که همه افراد علم به قانون دارند و جهل به قانون نمی‌تواند رافع مسئولیت باشد.

در جهل موضوعی شخص حتی اگر به حکم قانونی آن آگاه باشد. اما ممکن است شخص در بازنقش عمل و یا کذب بودن آن اجزا و ارکان جرم جاهل و ناآگاه باشد شهادت دروغ ۳ رکن اساسی برای اثبات دارد:

۱. ادای شهادت
۲. کذب بودن آنچه بیان می‌شود.
۳. نزد مقامات رسمی و در دادگاه

برخی معتقدند که اشتباه و جهل در جزء متشکله عمل باشد، مسئولیت کیفری فاعل بر نفس عمل ملحق می‌شود. یعنی اگر اصل عمل، فعل یا ترک فعلی ممنوعه بوده است و در جزء متشکله آن اشتباه کرده باشد اشتباه در عمل ممنوعه، در جزء و کل آن یکی است و

قاعده باقی ماندن مسئولیت است. این بدان معناست که شخص فعل مادی را درک کرده و با فعل که قانونگذاری آن را تعیین کرده، منطبق کرده باشد.

اراده یعنی خواستن و عزم و قصد ارتکاب فعل یا ترک فعلی را داشتن است. شخص با تمام علم و آگاهی از قانون و موضوع عمل ارتكابی دارد. می‌خواهد آنچه را که گفته است خلاف واقع و به عمد به صقه دروغ گفتن شهادت می‌دهد برخی جرائم علاوه بر سوء نیت تام نیاز به سوء نیت خاص دارند که شهادت کذب براساس ماده ۶۵۰ تعزیرات شخص اراده و قصد شهادت کذب را در نزد مقام رسمی دادگاه داشته باشد کافی است و نیاز به نتیجه خاصی ندارد. یعنی جرم شهادت کذب نیاز به سوء نیت خاص ندارد و همان اراده و آگاهی عنصر روانی برای تحقق جرم کافی است. (ابوالحسنی، ۱۳۹۲: ۱۱-۱۵)

بخش چهارم: نحوه شکایت از شهادت کذب

دادگاه برای استماع شهود برای شخص شاهد احضاریه فرستاده و وی را مکلف می‌کند که در موعد مقرر در جلسه دادگاه حاضر شود. پس از صدور قرار و حضور شاهد در جلسه دادرسی، آنچه را که بیان میدارند استماع می‌شود. برای ادای گواهی بر اساس ماده ۲۳۶ آیین دادرسی مدنی قبل از ادای گواهی، دادگاه حرمت گواهی کذب و مسولیت مدنی آن و مجازات مقرر را به گواه خاطر نشان می‌کند، گواهان قبل از ادای گواهی نام و نام خانوادگی، شغل و سن و محل اقامت را اظهار و سوگند یاد می‌کنند که تمام حقیقت را گفته و جزء حقیقت چیزی اظهار ننماید.

طرفین دعوی با معرفی شاهد کذب آنچه که حقیقت نیست را بیان میدارد و پرونده را در مسیری دیگر منحرف می‌کنند، برای جلوگیری از شهادت کذب قبل از صدور رأی و یا بعد از صدور حکم قطعی می‌توان گفت که راه‌حلی برای این امر وجود دارد:

بند اول: در جلسه دادرسی

الف - سؤال از شهود

قاضی در جلسه احضار شاهد از او سؤالات جزئی می‌پرسد و بعد از شخص معرفی‌کننده شهود در نهایت آنها را باهم مقایسه می‌کنند و در صورتی که لازم بود باز هم شخص شاهد

را احضار می کند تا سؤالات دیگر و از زاویه ای دیگر مطرح کند و چنانچه دروغ گفته باشد، دروغ وی محرز شود.

ب - جرح شهود

جرح در لغت به معنای مخدوش کردن است. (ملعوف - لویش، ۸۹) ولی در موضوع ما به معنای خدشه وارد کردن به شاهد است. جرح شاهد به معنی ادعای یکی از طرفین دعوا مبنی بر فقدان شرایط قانونی در شاهد است. در مقابل جرح تعدیل قرار دارد که به معنای گواهی دادن بر عدالت یکی از شهود است.

بر اساس ماده ۲۳۳ قانون آیین دادرسی مدنی شخص طرف دعوی تا قبل از ختم دادرسی و قبل از ادای شهادت می تواند شهادی را که شرایط شرعی شهادت را ندارد جرح کند تا به شهادت وی اعتباری داده نشود. البته هنگام جرح ممکن است که شخص طرف دعوی شاهد خود را تعدیل کند. گواهی بر تصدیق شاهد شرعی می تواند جرح را نقض کند.

شاهد شرعی در زمان ادای شهادت براساس ماده ۱۷۷ قانون مجازات اسلامی باید شرایطی داشته باشد:

۱) از شرایط گواه بلوغ است، بنابراین شهادت دختران، پیش از ۹ سالگی و پسران پیش از ۱۵ سالگی پذیرفته نمی باشد. البته ماده ۱۹۶ مقرر داشته: «در صورتی که شاهد واجد شرایط شهادت شرعی نباشد، اظهارات او استماع می شود. تشخیص میزان تأثیر و ارزش این اظهارات در علم قاضی در حدود اماره قضایی با دادگاه است.» بنابراین مطابق این ماده، حتی در صورت بالغ نبودن فرد، امکان استماع شهادت وی وجود داشته، لیکن این نوع از شهادت، دلیل محسوب نشده و ارزش اماره قضایی را دارد. (مدنی: ۱۳۷۹، ۳۵۷)

۲) از شرایط گواه عقل است، بنابراین اگر گواه فاقد قوه تعقل، دیوانه و یا مجنون باشد، می توان گواه را جرح نمود. (گروه پژوهشی رضوی: ۱۳۸۰، ۱۳۴)

۳) ایمان و عدالت از جمله شرایط گواه است، بنابراین اگر گواه از اقلیت های دینی باشد نمی تواند علیه مسلمان شهادت دهد و همچنین اگر گواه عادل نبوده و سابقه فسق و اشتها به فساد را داشته باشد، می توان به این دلایل وی را جرح کرد. (شیخ نیا: ۱۳۷۵، ۱۲۰)

۴) نداشتن نفع شخصی در دعوای مطروحه جزء شرایط لاینفک شاهد یا گواه است، بنابراین اگر گواه نفع شخصی در صدور حکم در دادگاه داشته باشد، قابل جرح خواهد بود.

۵) عدم اشتغال به تکدی و ولگردی شرط مهمی است که باید در گواه موجود باشد؛ لذا در صورتی که گواه به گدایی و ولگردی مشغول باشد، می‌توان گواه را جرح نمود.

۶) نبودن دشمنی بین گواه و طرف مقابل نیز از جمله شرایط گواه است و جزء مواردی است که می‌تواند سبب جرح گواه شود. (امام خمینی: ۱۳۹۹، ۴۷۵)
پ - مهلت جرح گواه:

جرح گواه تشریفات خاص و ویژه‌ای ندارد و علی القاعده باید پیش از ادای گواهی به عمل آید. به موجب ماده ۱۹۳ قانون مجازات اسلامی (جرح شاهد شرعی باید پیش از ادای شهادت به عمل آید مگر آنکه موجبات جرح پس از شهادت معلوم شود) در این صورت جرح تا پیش از صدور حکم به عمل می‌آید و در هر حال دادگاه مکلف است به موضوع جرح رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند. (ق م ا، ماده ۱۹۳)

براساس ماده ۲۳۴ قانون آیین دادرسی مدنی در خصوص مهلت جرح گواه این امکان وجود دارد که طرف دعوی برای جرح گواه از دادگاه تقاضای مهلت نماید که در این صورت دادگاه حداکثر برای مدت یک هفته به او مهلت می‌دهد. (آ د م، ماده ۲۳۴)
ت - تعارض شهود

شهادت شاهد ممکن است در تعارض با دلایل دیگر، و یا شهادت شاهدان دیگر باشد.
(توکلی: ۱۳۸۵، ۳)

۱) تعارض شهادت با اماره قضایی: طبق ماده ۱۳۲۱ قانون مدنی اماره اوضاع و احوالی است که به حکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری باشد اماره یک امر معلوم و خارجی است که دادرس باتوجه به آن متوجه امر مجهولی شده و با استفاده از آن امر معلوم، حکم به وجود مجهول می‌دهد. در صورتی که بین شهادت شاهد و اماره قضایی تعارض پیش آید، اماره قضایی مقدم است. (توکلی: ۱۳۸۵، ۱۸)

طبق ماده ۲۴۱ آیین دادرسی مدنی تشخیص درجه و ارزش گواهی به نظر دادگاه می‌باشد و قانونگذار دست قاضی را در این خصوص کاملاً باز گذاشته است تا به هر نحو که صلاح می‌داند عمل نماید، همچنین شهادت موجب ظن است ولی اماره قضایی مفید علم است. بنابراین رد موضوع تعارض، علم بر گمان ارجعیت دارد. (آ د م، ماده ۲۴۱)

۲) تعارض شهادت با سند رسمی: استفاده از سند به عنوان دلیل سابقه طولانی داشته و در ایران به صورتهای گوناگون سند مبنای معاملات و دلیل محاکمات بوده است. در تعارض شهادت با اسناد رسمی، رجحان وجود ندارد و قاضی باید به میزان ارزش و کیفیت اعتبار آن توجه نماید یعنی ممکن است در یک مورد دادگاه شهادت شهود را کاملاً مطابق با اوضاع و احوال بیابد و به استناد آن ادعای مخالف با اسناد رسمی را بپذیرد و در مورد دیگر به دلیل عدم اصالت شهود و همچنین عدم انطباق شهادت با اوضاع و احوال و شرایط پرونده، شهادت شهود مبنی بر اثبات خلاف مندرجات و مفاد سند رسمی را نپذیرفته و به ادامه اعتبار سند رسمی اظهار نظر نماید. (م ۱۲۸۴ ق. م) (همان: ۱۳۸۵، ۱۹)

۳) تعارض شهادت با شهادت شهود دیگر: استناد به شهادت شهود به عنوان ادله دعوا به طور همزمان امکان‌پذیر است و بنابراین تعارض بین شهادت شهود طرفین دعوی بسیار رایج است. در این صورت دادگاه با شهادت متعارض مواجه می‌شود، براساس ماده ۱۳۱۷ قانون مدنی مفاد شهود باید مطابقت داشته باشد و تعارضی باهم نداشته باشند. شهادت شهود باید مفاداً متحد باشند. بنابراین اگر شهود به اختلاف شهادت دهند قابل اثر نخواهد بود مگر در صورتی که از مفاد اظهارات آنها قدر متیقنی به دست آید. بر همین مبنا ماده ۱۸۵ قانون مجازات اسلامی می‌گوید: «در صورت وجود تعارض بین دو شهادت شرعی، هیچ یک معتبر نیست.»

برای اثبات تعارض شهادت شهود هر دلیل جزء ... یا کلاً دلیل دیگر را تکذیب نماید به طوری که اجتماع آنها با یکدیگر ممکن نباشد. هریک از دو دلیل یا دو گروه دلیل متقابل، فی‌النفسه دارای حجیت و قابل استناد در موضوع دعوا باشند، به این معنا که هر یک از آن دو به فرض نبود دلیل معارض، حجیت بوده قابل استناد در موضوع دعوا باشند، به این معنا

که هر یک از آن دو به فرض نبود دلیل معارض، حجت بوده قابل استناد در رأی قاضی برای صدور حکم باشد گرچه یکی از آنها در اثر تعارض و به واسطه ارزش اثباتی کمتر از حجیت و قابلیت استناد بالفعل ساقط شود. (م ۱۸۵ ق. م. ا).

اختلاف الفاظ شهادت را بی اعتبار نمی کند مشروط بر اینکه معنای واحدی داشته باشند. براساس ماده ۱۳۱۸ قانون مدنی (اختلاف شهود و در خصوصیات امر اگر موجب اختلاف در موضوع شهادت نباشد اشکالی ندارد). (همان: ۱۳۸۵، ۱۹)

بند دوم: پس از دادرسی

به موجب ماده ۱۳۱۹ قانون مدنی، در صورتی که معلوم شود گواه بر خلاف واقع شهادت داده است، به شهادت او ترتیب اثر داده نمی شود. براساس این ماده در صورتی که کذب بودن شهادت پیش از صدور رأی قطعی برای دادگاه مشخص شود، دادگاه بدون توجه به این شهادت کذب تصمیم گیری می نماید و هرگاه پس از صدور رأی قطعی دروغ بودن گواهی آشکار شود، این رأی قابل واخواهی، تجدید نظر خواهی و یا فرجام خواهی می باشد که با این اعتراض، دادگاه به شهادت ترتیب اثر نمی دهد و با چشم پوشی از آن رسیدگی و اتخاذ تصمیم می کند. اما هرگاه کذب بودن شهادت پس از نهایی شدن حکم (پایان مهلت تجدید نظر خواهی، فرجام خواهی و واخواهی از حکم غیابی) مشخص شود، ممکن است بتوان با اثبات، حيله و تقلب طرفی که گواهی دروغ به نفع او داده شده است، از رأی صادر شده اعاده دادرسی نمود. (ق م، ماده ۱۳۱۹)

الف - اعاده دادرسی

اعاده دادرسی یک روش فوق العاده اعتراض به آرای محاکم است که به موجب آن پرونده ای با رأی قطعی مختومه شده، مجدداً مفتوح و مورد رسیدگی قرار می گیرد. این طریقه شکایت موجب می شود که دادرسی منتهی به حکم قطعیت یافته و اختلاف طرفین به درخواست محکوم علیه دوباره نزد همان مرجع صادر کننده حکم مورد رسیدگی قرار گیرد. (شمس: ۱۳۸۸، ۱۳۰)

اعاده دادرسی در نظام حقوقی ایران به صورت دو مرحله ای انجام می شود:

- مرحله اول نسبت به قبول درخواست اعاده دادرسی اظهار نظر قضایی صورت می‌گیرد.

- مرحله دوم نسبت به ماهیت درخواست رسیدگی و حکم مقتضی صادر می‌گردد.

براساس بند ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری، در دادگاه صالح ثابت شود اسناد جعلی یا شهادت خلاف واقع گواهان مبنای حکم بوده است. یکی از جهات اعاده دادرسی کیفری شهادت خلاف واقع است که براساس آن قاضی حکم قطعی صادر کرده است درخواست اعاده دادرسی و ادله اثبات کننده جهت اعاده دادرسی از طریق دادگاه صادر کننده حکم قطعی یا قطعیت یافته به دیوان عالی کشور ارسال می‌شود و در وقت فوق‌العاده و بدون احضار طرفین و قبل از آنکه به ماهیت رسیدگی توجه کند نسبت به اساس درخواست اظهار نظر می‌نمایند.

(۱) چنانچه موضوع و ادله با ماده ۴۷۴ منطبق تشخیص داده شد قرار تجویز صادر و پرونده را به دادگاه هم عرض دادگاه صادر کننده حکم قطعی می‌فرستند.

(۲) در صورتی که دیوان عالی کشور موضوع و ادله ابزاری را منطبق با ماده ۴۷۴ آیین دادرسی کیفری تشخیص نداد قرار رد اعاده دادرسی را صادر می‌نماید و پرونده مختومه باقی می‌ماند. در مورد شهادت کذب آیا در تمام موارد می‌توان اعاده دادرسی نمود یا خیر؟

دو نظریه وجود دارد نخست آن که اعاده دادرسی یک طریق استثنایی اعتراض به آراء است و فقط در موارد ماده ۴۲۶ آیین دادرسی مدنی می‌توان اعاده دادرسی خواست و رجوع از شهادت و معلوم شدن خلاف شهادت نمی‌تواند مورد اعاده دادرسی قرار بگیرد و طرف دعوا می‌تواند فقط خسارت ناشی از شهادت را دریافت کنند.

براساس نظر دوم که گفته می‌شود بند ۵ ماده ۴۲۶ آیین دادرسی مدنی ناظر به تجویز اعاده دادرسی در مورد حيله و تقلب مؤثر در حکم دادگاه می‌تواند در مورد شهادت کذب نیز صادق باشد. باتوجه به ماده ۴۷۴ آیین دادرسی کیفری و اجماع آن با ماده ۴۲۶ آیین دادرسی مدنی شهادت و گمراه کردن مسیر پرونده را تغییر دهد و بر حکم صادره تأثیر بگذارد چنانچه نتوان در مرحله تجدیدنظر و فرجام‌خواهی اعتراض نمود و حکم قطعی

صادر شد شخص می تواند در مرحله عاده دادرسی به طرق فوق العاده اعتراض نماید. (کریمی، ۱۳۸۹: ۷۰، ۷۱)

بخش پنجم: مجازات و آثار

مجازات سه ماه و یک روز تا دو سال حبس یا یک میلیون و ۵۰۰ هزار تا ۱۲ میلیون ریال جزای نقدی (ماده ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات) شهادت دروغ موجب بطلان حکم است و هر حکمی که بر این اساس صادر شود، بلااثر است. هرگاه کسی سبب ورود خسارت شود، باید آن را جبران کند. در شهادت کذب نیز شهود باید خسارت زیان دیده را جبران کنند. در امور کیفری یکی از جهات درخواست تجدید نظر دروغ بودن شهادت شهود است. (ق.م.اماده ۶۵۰)

چنانچه شاهد پس از اتیان سوگند شهادت دروغ بدهد با احراز این موضوع برای دادگاه، مجازات سوگند و شهادت دروغ قابل جمع است. همچنین اگر شهادت دروغ در مورد حدود، قصاص یا دیات باشد، قاعده جمع مجازات ها اعمال می شود. (کاتوزیان: ۱۳۸۳، ۵۰۱)

الف) مجازات تعزیری: مجازات تعزیری براساس م ۶۵۰ تعزیرات است. بر این اساس با توجه به صرف یا بین دو مجازات حبس و جزای نقدی آمده است می تواند یکی از آنها مورد مجازات قرار گیرد. حبس تعزیری ۶۵۰ از نوع درجه ۶ و جزای نقدی آن درجه ۷ محسوب می شود.

ب) مجازات حدی: تنها عنوانی از حدود را می توان از طریق شهادت کذب مرتکب شد حد قذف است به موجب م ۲۴۵ قانون م.ا مصوب ۹۲ قذف عبارت است از: نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگر هر چند مرده باشد.

اگر شهادتی که شاهد می دهد کذب باشد و نسبت زنا و لواط به دیگری دهد علاوه بر مجازات مثلاً: تازیانه حد قذف به تعزیر محکوم می شود البته حد قذف حق الناس است و نیاز به درخواست مقذوف است.

پ) مجازات مستوجب قصاص و دیه: جرم شهادت کذب از جرائم قصاص و دیه نمی باشد. به عبارت دیگر ادای شهادت کذب از باب تسبیت می تواند منتهی به قصاص یا

دیه شود. ممکن است شهادت کذب شهود منجر به صدور حکم قصاص نفس یا قصاص عضو شود.

امام خمینی در تحریر الوسیه صراحتاً به امکان سببیت شهود در اعدام یا قصاص اشاره نموده‌اند اگر دو شاهد به چیزی مانند ارتداد که موجب قتل است شهادت دهند و یا چهار نفر به آنچه موجب رجم است مانند: زنا، شهادت دهند و بعد از اجراء حد یا قصاص ثابت گردد که آنها شهادت کذب داده‌اند، نه قاضی و نه مامور اجرا ضامن نمی‌باشد و قصاص بر شهود کاذب آسیب می‌گردد که باید فاضل دیه به آنها را شود و اگر وی دم به دروغ و کذب تقاضای قصاص غایب و شهود نیز شهادت کذب دهند در مورد این که آیا قصاص بر همه آنها و یا بر ولی دم و یا بر شهود خواهد بود چند و جر وجود دارد که نزدیکترین آن به صحت و درستی، مسئولیت شهود است. (امام خمینی: مسأله ۳۹) بنابراین با توجه به نظریه اخیر و با عنایت به تبصره ۶۵۰ تعزیرات چنانچه شاهدی با ادای شهادت منجر به قصاص یا اعدام فردی گردد علاوه بر تعزیر به قصاص یا پرداخت دیه محکوم می‌شود.

نتیجه گیری

شهادت، گواهی دادن از روی علم و یقین است و شاهد اظهاراتی دارد که دیده و یا شنیده است و در هنگام احضار به دادگاه به نفع یکی از طرفین دعوا آن دیده و شنیده را اداء می‌کند و با شهادت دروغ احقاق حق شاکی یا متشاکی را با وضعیت بحرانی مواجه می‌کند. در مبحث فقه‌ای شهادت کذب جدایی از مسئله شهادت کذب مباحث کتمان شهادت، ادای شهادت و تشهیر شاهد زور اهمیت بسزایی دارد. با وجود دیدگاه‌های فقه‌ای مبنی بر گناه بودن کتمان شهادت و واجب بودن ادای شهادت در حقوق ایران کتمان شهادت را به عنوان یک تذکر در دادرسی عنوان شده است و ضمانت اجرایی برای کتمان شهادت در نظر گرفته نشده است. در بررسی پیشینه شهادت کذب و تحولات حقوق کیفری شهادت کذب جرم است با این تفاوت که شهادت کذب در ادوار گذشته سخت‌تر، شدیدتر و بدون اساس و پایه بوده است. با تحولات حقوق کیفری و روی کار آمدن نظام‌های اتهامی و تفتیشی، نظام‌های حقوقی در مبحث کیفر شهادت برای جلوگیری از

انحراف شاهد که منجر به انحراف از عدالت و اخلال در نظام کیفری می شود کذب بودن شهادت را جرم‌انگاری کرده‌اند.

با روی کارآمدن آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نقش حمایتی برای طرفین دعوا و اشخاص ثالث ایجاد کرده است که در دادرسی شخص شاهد قبل از ادای شهادت توسط بازپرس حرمت و کتمان شهادت را به او یادآوری می کنند. شهادت چون یکی از ارکان دادرسی می باشد تا حدود بسیار زیادی جرم‌انگاری و راهکارهایی برای جلوگیری از شهادت کذب پیش‌بینی شده است که طرف دعوا می تواند در حین دادرسی جرح شاهد را بخواهد و یا بعد از صدور حکم در صورت ادله معتبر اعاده دادرسی کند. بسیاری از قوانین که برای جلوگیری از شهادت کذب به کار رفته جنبه‌ی اخلاقی و توصیه‌ای دارد و نحوه اجرای قوانین آن باید به نحو دیگری باشد. امید است که دستگاه قضایی کشور همچنان با صلابت و عدالت محوری مسیر سالم سازی و امنیت و احقاق حق در جامعه را پیشیناز کرده و با قوام مضاعف استمرار بخشد .

منابع و مأخذ

الف) کتاب

- اسدی، بهنام، (۱۳۹۴) قانون یار آیین دادرسی کیفری، انتشارات قانون یار، تهران.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین، (۱۴۱۵ه.ق) القضاء و الشهادات، چاپ اول، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۳) ترمینولوژی حقوق، چاپ چهارم کتابخانه گنج دانش، تهران
- حجتی، سید مهدی، (۱۳۸۴) قانون مجازات در نظم حقوق کیفری، میثاق عدالت، تهران
- خالقی، ع (۱۳۹۶) آیین دادرسی کیفری، انتشارات شهر دانش، تهران
- خالقی، ع (۱۳۹۰) آیین دادرسی کیفری، انتشارات شهر دانش، تهران
- خمینی سید روح الله موسوی، (۱۴۰۴ه.ق) زبدة الأحكام، چاپ اول، نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران،
- خمینی (بی تا)، سید روح الله موسوی، (۱۴۰۴ه.ق) تحریر الوسيلة، چاپ اول، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، قم
- خمینی، سید روح الله، (۱۳۶۳) تحریر الوسيلة، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
- دهخدا، ع (۱۳۶۲) لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، تهران
- راغب اصفهانی حسین بن محمد، (۱۴۱۳ه.ق) مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، دارالعلم - دارالشامیه، بیروت - دمشق
- زراعت، عباس، (۱۳۹۲) جرائم علیه اداره عمومی و دادگستری، اندیشه های حقوقی، قانون مدار، کاشان

- زراعت، ع. (۱۳۷۷) شرح قانون مجازات اسلامی، ج ۲، انتشارات فیض. تهران.
- شمس، عبدالله، (۱۳۸۴) آیین دادرسی مدنی، ج ۳، انتشارات دراک، تهران.
- شمس، عبدالله، (۱۳۷۷) آیین دادرسی مدنی، ج ۳، انتشارات دراک تهران.
- شمس عبدالله، (۱۳۸۲) آیین دادرسی مدنی، چاپ پنجم، نشر میزان، تهران.
- شمعی، محمد، (۱۳۹۲) درآمدی بر جرم انگاری و جرم زدایی، جنگل، تهران.
- کریمی، عباس (۱۳۸۹) ادله اثبات دعوی، دانشگاه پیام نور، تهران.
- گروه علمی چتر دانش، (۱۳۹۵) نخستین قانون مجازات عمومی ایران مصوب ۱۳۰۴ شمسی، چتر دانش، تهران.
- مدنی سیدجلال الدین، (۱۳۷۰) ادله اثبات دعوا، گنج دانش، تهران.
- منصور، جهانگیر (۱۳۹۹) کتاب قانون مجازات اسلامی، انتشارات کتاب دیدآور تهران.
- نجفی محمدحسن (صاحب جواهر) (۱۴۰۴.ق) جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، چاپ هفتم، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- ولیدی، محمد صالح، (۱۳۹۳) حقوق جزای عمومی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، تهران.

ب) مقاله

- بیگی، جمال (۱۳۸۹)، «راهبردهای حمایتی سازمان ملل متحد ایران و اسلام در تأمین امنیت بزه‌دیدگان و شهود قاجاق انسان» مجله فقه و حقوق اسلامی، سال اول، ش ۱،
- بیگی، جمال، (۱۳۹۶) «جرم انگاری کتمان شهادت و چالش‌های آن در حقوق ایران» آموزه‌های حقوق کیفری
- رفیعی، سارا، (۱۳۹۳) کتمان شهادت کتمان شهادت و آثار آن از منظر فقه و حقوق، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه قم
- رستم‌پور، آرمان، (۱۳۹۴)، «شهادت دروغ»، فصلنامه علمی پژوهشی فقه و تاریخ تمدن
- رضایی، حسین، (۱۳۹۶)، شهادت دروغ و کتمان شهادت در حقوق بین‌النهرین باستان، ایران، اسلام، فصلنامه قضاوت،
- سلیمانی، حسین، (۱۳۸۹) «ادله اثبات دعوی کیفری در آیین یهود» مجله هفت آسمان جلد ۱